

شناسایی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی (مورد مطالعه: دانشکده‌های کشاورزی استان تهران)

آصف کریمی^{۱*}، هادی جوهری^۲

۱. استادیار دانشکده مدیریت، پردیس فارابی، دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۹

چکیده

توسعه کارآفرینی نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای مختلف ایفا می‌کند و می‌تواند بسیاری از مشکلات این کشورها را برطرف سازد. هدف اصلی این تحقیق بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی بود و جامعه آماری آن را دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده‌های کشاورزی دولتی استان تهران ($N=2786$) تشکیل دادند. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۳۲ دانشجو برای نمونه و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. روایی پرسشنامه را خبرگان بررسی و تأیید کردند و برای تعیین میزان پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد (۰/۹۱). داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱۹ و LISREL نسخه ۸/۵ تجزیه و تحلیل شدند. برای شناسایی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی از تحلیل عاملی اکتشافی و برای بررسی شاخص برازش نیکویی مدل تحقیق از تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که این موانع از شش عامل آموزشی، حمایتی، ارتباطی، نگرشی، سیاست‌گذاری و فرهنگی تشکیل شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: توسعه کارآفرینی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، عوامل بازدارنده، کشاورزی.

مقدمه

در بیشتر کشورهای دنیا، نظام آموزش عالی مسئول تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه در سطوح و رشته‌های مختلف است (نظری کتولی و رحمانی، ۱۳۸۴؛ ص

۳۳). امروزه، معضل بیکاری دانش آموختگان نظام آموزش عالی یکی از مسائل اجتماعی روز بسیاری از کشورهای دنیا به شمار می‌رود و مهم‌ترین چالش اجتماعی چند دهه آینده نیز خواهد بود (تاج‌آبادی، ۱۳۸۷)؛ بنابراین حل این معضل سیاست‌گذاران اکثر کشورها را با چالش‌های بزرگی روبه‌رو کرده است (صالحی و برادران، ۱۳۸۵، ص ۸۳).

یکی از راهکارهای مهم توسعه اقتصادی کشورها ایجاد اشتغال است و مهم‌ترین سازوکار و ابزار در این زمینه توسعه کارآفرینی است (زرنگار، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

امروزه، توسعه کارآفرینی محرک توسعه و افقی نوین در مطالعات سازمان و مدیریت است که بسیاری از کشورها به آن توجه کرده‌اند (زالی، ۱۳۸۶، ص ۷). در این بین، یکی از چالش‌های اساسی نظام آموزش عالی دانش آموختگانی هستند که توانایی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار را ندارند و قابلیت‌های کارآفرینی پایینی دارند (امیری و مرادی، ۱۳۸۷، ص ۴۶).

در نظام آموزش عالی، شاید تغییر رویکرد دانشجویان و دانش آموختگان از کارجویی به کارآفرینی به این دلیل باشد که در شرایط فعلی دانش آموختگانی که پا را از حوزه دانش و محفوظات فراتر گذاشته و در حل مسائل عملی حیطه تخصصی مورد نظر مهارت‌های لازم را داشته باشند نسبت به دیگران مزیت رقابتی دارند (طالبی و زارع یکتا، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲). ضرورت توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی اهمیت دوچندانی دارد؛ زیرا آموزش عالی کشاورزی کمترین سهم را از اشتغال دانش آموختگان به خود اختصاص داده است (اسکندری، ۱۳۸۵، ص ۱۰). به طوری که آمارها نشان می‌دهد از حدود ۱۶۰ هزار دانش آموخته کشاورزی در کشور، ۳۵ هزار نفر هنوز به دنبال کار می‌گردند و ۵۵ هزار نفر هم در بخش‌های غیر مرتبط به فعالیت مشغولند (سلیمانپور، ۱۳۸۵).

برخی از دست‌اندرکاران بخش کشاورزی معتقدند که بسیاری از دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی مهارت‌های عملی کافی ندارند؛ بنابراین می‌توان با توسعه کارآفرینی معضلات این بخش را تا حدود بسیار زیادی مرتفع کرد (خسروی‌پور و سلیمانپور، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

با توجه به مطالب ذکرشده، باید سیاست‌گذاری مناسبی در زمینه توسعه کارآفرینی به‌ویژه در آموزش عالی کشاورزی صورت پذیرد.

اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که از دیدگاه دانشجویان چه عوامل بازدارنده‌ای در زمینه توسعه کارآفرینی وجود دارد؟ در پژوهش حاضر، این عوامل از دیدگاه دانشجویان

تحصیلات تکمیلی کشاورزی بررسی شده است که این امر می‌تواند سبب ارائه راهکارهایی مناسب برای رفع این موانع باشد.

مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت کارآفرینی، امروزه رویکرد بسیاری از دانشگاه‌های جهان پرورش دانشجویان و دانش‌آموختگان کارآفرین است (زالی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۳)؛ اما در زمینه توسعه کارآفرینی موانعی وجود دارد که در تحقیقات مختلف به برخی از آن‌ها اشاره شده است. در ادامه به مهم‌ترین این تحقیقات اشاره می‌شود:

بدری (۱۳۸۴) اعتقاد دارد آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های دانشجویان مؤثر نبوده است. مرادزادی و همکاران (۱۳۸۶) دریافتند که عوامل سیاست‌گذاری، اقتصادی، پشتیبانی، آموزشی، زیرساختی و فرهنگی عمده‌ترین موانع توسعه کارآفرینی هستند.

نتایج تحقیق حجازی و میرشکاری (۱۳۸۷، ص ۴۹) نشان داد که از بین ویژگی‌های محیطی، مخاطره‌آمیز بودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و محدودیت‌های قانونی و اداری از عوامل مهم بازدارنده کارآفرینی هستند. یافته‌های جوادیان صراف و شجاع نشان داد که بیشتر دانشجویان مورد بررسی ناتوانی در پذیرش خطر مالی را اصلی‌ترین مانع کارآفرینی تلقی می‌کنند و پس از آن مشکل تأمین سرمایه قرار دارد (۱۳۸۸، ص ۸۱).

حسین‌پور و رضایی بیان داشتند که نداشتن سرمایه و منابع مالی کافی و نداشتن اطلاعات درباره راه‌اندازی کسب‌وکار، مهم‌ترین موانع تمایل دانشجویان به کارآفرینی بوده است (۱۳۸۹، ص ۱۳۵). از دیدگاه نوروززاده و رضایی (۱۳۸۹، ص ۷۵) ناآگاهی دانشجویان، نبود استادان ماهر و خلاق و محتوای نامناسب دوره‌های آموزشی مهم‌ترین بازدارندهای ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی بوده است.

یعقوبی (۱۳۸۹، ص ۱۳۰) مهم‌ترین موانع آموزش عالی کشاورزی در تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین را مدرک‌گرایی افراطی در بین دانشجویان و توجه نکردن به یادگیری مهارت‌های عملی و توسعه کمی دانشکده‌های کشاورزی بدون توجه به کیفیت علمی دانسته است.

حسینی و همکاران (۱۳۸۹، ص ۳۵۹) سیاست‌گذاری نامناسب و کمبود حمایت دولتی از مشاغل کشاورزی را مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها برشمرده‌اند.

یعقوبی و همکاران (۱۳۹۰، ص ۱۲) بیان کردند که نبود حمایت کافی دولت، توانایی مالی محدود دانش آموختگان برای فراهم آوردن مقدمات اشتغال در بخش کشاورزی و کارانبودن دانشگاه در تربیت دانش آموختگان کارآفرین مهم ترین مانع های اشتغال دانش آموختگان کشاورزی را تشکیل می دهند.

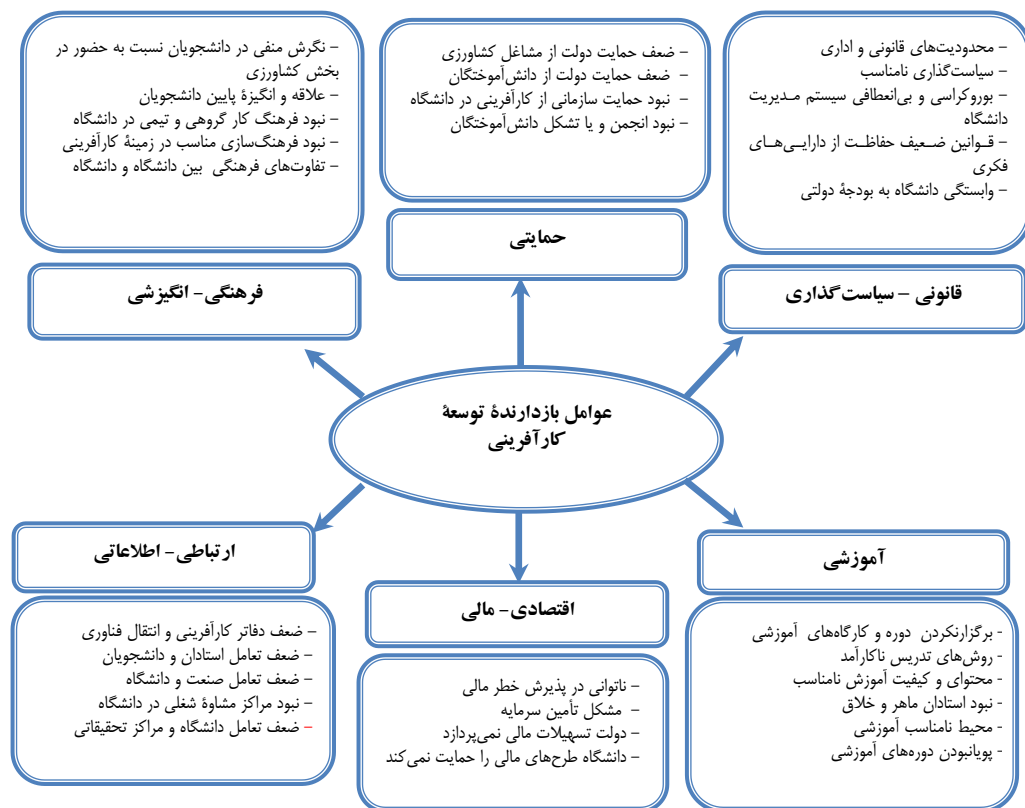
خسروی پور و منجمزاده (۱۳۹۰، ص ۱۰۵) سطح نامناسب دانش و مهارت های تجربی و شغلی دانش آموختگان کشاورزی و بی اطلاعی از بازار کار متناسب با رشته تحصیلی را مهم ترین موانع کارآفرینی و اشتغال دانش آموختگان کشاورزی برشمرده اند. لاتین و همکاران (۲۰۰۰، ص ۹۵) و مک مولان و گیلین (۲۰۰۱، ص ۵۷) تأکید داشتند که محیط نامناسب آموزشی دانشگاه ها سبب ازبین رفتن احتمال توسعه موفق کارآفرینان می شود.

گیب (۲۰۰۲، ص ۱۳۵) بیان می کند که یکی از چالش های کارآفرینی در سطح دانشگاه، نبود حمایت سازمانی از آن در دانشگاه است. رابرتسون و همکاران (۲۰۰۳، ص ۳۰۸) مهم ترین موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان را موانع مالی، انگیزش و نبود ایده برشمرده اند. گیب و هانن (۲۰۰۴، ص ۱) بر توسعه دفاتر کارآفرینی و انتقال فناوری، حمایت از فرایندهای نوآورانه، تقویت تحقیق و توسعه دانشگاهی، توسعه تیم های کارآفرین، تعامل استادان و دانشجویان و تعامل صنعت و دانشگاه تأکید می کنند.

گالوی و همکاران (۲۰۰۵، ص ۷) نیز بیان داشتند که پویانبودن دوره های آموزشی بر پایه نیاز بازار کار و مناسب نبودن محتوای آموزشی مهم ترین مانع در زمینه توسعه کارآفرینی بوده است. از دیدگاه دباکر و وگلرز (۲۰۰۵، ص ۳۲۱) نبود درک کافی صنعت و دانشگاه از فرهنگ یکدیگر و وجود اهداف متعارض بین آنها ممکن است مانع از توسعه روابط مناسب و اثربخش شود. رایت و همکاران (۲۰۰۷، ص ۱۷۲) نیز در بررسی موانع کارآفرینی دانشگاهی، نبود منابع مالی مود نیاز (شکاف مالی) و نبود دانش و مهارت (شکاف دانش) را عوامل عمده در این زمینه برشمرده اند.

در پژوهش دکتر و همکاران (۲۰۰۷، ص ۳۲۱)، تفاوت های فرهنگی بین دانشگاه و کسب و کار و نیاز به سرمایه گذاری های بیشتر برای توسعه فناوری عمده ترین موانع شناسایی شدند؛ بنابراین بر اساس ادبیات نظری و پیشنه تحقیق، موانع توسعه کارآفرینی در قالب شش

عامل آموزشی، ارتباطی، اطلاعاتی، زیرساختی - حمایتی، اقتصادی - مالی، قانونی - سیاست گذاری و فرهنگی به شرح شکل ۱ طبقه بندی شدند:



شکل ۱. عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع توصیفی - پیمایشی و از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری آن شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی شاغل به تحصیل در پردیس کشاورزی و منابع طبیعی و پردیس ابوریحان دانشگاه تهران و همچنین دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس ($N=2786$) بود که با استفاده از فرمول کوکران و تعداد ۲۳۲ دانشجو برای نمونه انتخاب شدند و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب توزیع شد (جدول ۱)؛ بدین ترتیب که هریک از این مراکز یک طبقه در نظر گرفته شد و متناسب با حجم هریک

از آن‌ها نمونه‌گیری صورت پذیرفت. داده‌های مورد نظر با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شد که بر اساس پیشینه تحقیق تدوین شده بود و شامل دو بخش ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دانشجویان (۶ پرسش) و عوامل بازدارنده توسعه کار آفرینی (۳۵ گویه) بود که برای اندازه‌گیری بخش دوم از طیف لیکرت (۵ سطحی از خیلی کم تا خیلی زیاد) استفاده شد.

جدول ۱. جامعه آماری مورد بررسی و حجم نمونه اختصاص یافته به هر یک از طبقات

ردیف	نام دانشکده	حجم جامعه	حجم نمونه
۱	پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران	۱۸۲۱	۱۵۱
۲	پردیس ابوریحان دانشگاه تهران	۳۲۰	۲۸
۳	دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس	۶۴۵	۵۳
کل		۲۷۸۶	۲۳۲

روایی محتوایی پرسشنامه را چند تن از استادان رشته‌های کشاورزی و کار آفرینی بازننگری و تأیید کردند. برای بررسی اعتبار سازه‌ای پرسشنامه و برازش الگوی اندازه‌گیری و ساختاری مربوط به عوامل بازدارنده توسعه کار آفرینی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای تعیین قابلیت اعتماد پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که میزان آن برای مقیاس اصلی پرسشنامه یعنی عوامل بازدارنده توسعه کار آفرینی، ۰/۹۱ محاسبه شد. اطلاعات موجود در پرسشنامه‌ها کدگذاری شد و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱۹ و LISREL نسخه ۸/۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی نظیر فراوانی، درصد، میانگین، ضریب تغییرات، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. مدل معادلات ساختاری فنی برای تحلیل چندمتغیری از خانواده رگرسیون چندمتغیری و رویکردی آماری برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و مکنون است (هومن، ۱۳۸۴).

یافته‌ها

برای کاهش تعداد متغیرهای مربوط به عوامل بازدارنده توسعه کار آفرینی به عوامل کمتر و تعیین سهم هر یک از عامل‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. بدین منظور ۳۵ متغیر وارد

تحلیل عاملی اکتشافی شد. برای مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از ضریب KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. مقدار KMO ۰/۹۱۹ و مقدار بارتلت ۸۲۰۴/۱۴۵ به دست آمد که در سطح یک درصد معنی‌دار بود که این امر نشان‌دهنده مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی است.

همچنین برای بالابردن تفسیر گویه‌ها از روش چرخش واریماکس استفاده شد و در مجموع تعداد ۶ عامل و بر اساس مقادیر ویژه و نیز معیار عامل پیشین استخراج شدند که در جدول ۲ ارائه شده‌اند. این عوامل ۷۰/۱۷ درصد از واریانس کل متغیرها را بیان کرده‌اند. سهم هر کدام از این عامل‌ها در این جدول مشخص شده است. نام گذاری عامل‌ها با توجه به ماهیت متغیرهای موجود در هر عامل انجام پذیرفت و بر این اساس این عوامل به صورت "آموزشی"، "حمایتی"، "ارتباطی"، "نگرشی"، "سیاست‌گذاری" و "فرهنگی" نام گذاری شدند. وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل با فرض واقع شدن متغیرهای با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵، بعد از چرخش عامل‌ها به روش وریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها به شرح جدول ۳ است.

جدول ۲. عامل‌های استخراج‌شده در زمینه عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
آموزشی	۶/۳۱	۱۸/۰۴	۱۸/۰۴
حمایتی	۴/۱۰	۱۱/۷۳	۲۹/۷۸
ارتباطی	۳/۹۵	۱۱/۳۱	۴۱/۰۹
نگرشی	۳/۹۴	۱۱/۲۷	۵۲/۳۶
سیاست‌گذاری	۳/۵۱	۱۰/۰۲	۶۲/۳۹
فرهنگی	۲/۷۲	۷/۷۸	۷۰/۱۷

جدول ۳. متغیرهای مربوط به هریک از عامل‌ها و میزان ضرایب به دست آمده

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
آموزشی	توجه نکردن کافی به دروس کارآموزی و کارورزی	۰/۷۵۷
	توجه نکردن به معیارهای مناسب در گزینش دانشجو	۰/۷۳۹
	استفاده از روش‌های تدریس سنتی و آموزشگر محور	۰/۷۰۷
	توجه نکردن به بهبود کیفیت آموزش عالی	۰/۶۸۶
	برگزار نکردن دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مناسب و با کیفیت در زمینه کارآفرینی	۰/۶۸۵
	به روز نبودن محتوای دروس دانشگاهی	۰/۶۷۱
حمایتی	پایین بودن سطح دانش مدیریتی و ارتباطی دانشجویان	۰/۶۳۹
	تئوری بودن دروس و توجه نکردن به مباحث عملی در دروس دانشگاهی	۰/۶۳۵
	بی‌اعتمادی بخش کشاورزی و صنعت به توانمندی‌های دانش‌آموختگان	۰/۸۰۴
	ضعف مراکز کارآفرینی در دانشگاه	۰/۷۹۲
	نبود حمایت کافی از طرح‌ها و ایده‌های دانشجویی از سوی دانشگاه	۰/۷۱۹
	نبود انجمن یا تشکل دانش‌آموختگان در دانشگاه	۰/۶۹۹
ارتباطی	دیدگاه نامناسب جامعه به بخش کشاورزی	۰/۶۸۷
	انجام ندادن پژوهش‌های کاربردی در زمینه توسعه کارآفرینی	۰/۵۸۲
	حمایت ناکافی دولت از دانش‌آموختگان	۰/۵۱۹
	ضعف ارتباطات بین‌المللی دانشگاه برای تبادل دانشجو و استاد	۰/۷۶۵
	برقرار نکردن ارتباط مناسب و مداوم بین دانشجویان و اعضای هیئت علمی	۰/۷۵۵
	نبود مراکز مشاوره شغلی در دانشگاه	۰/۶۳۵
برگشتی	بهره‌گیری نامناسب از فناوری‌های نوین مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات	۰/۶۲۱
	نبود ارتباط مناسب بین دانشگاه و مراکز تحقیقاتی	۰/۶۰۸
	نبود ارتباط مناسب بین دانشگاه و بخش‌های صنعت و کشاورزی	۰/۵۳۳
	نگرش منفی در دانشجویان در مورد حضور در بخش کشاورزی	۰/۶۹۰
	علاقه و انگیزه پایین دانشجویان به رشته تحصیلی	۰/۶۷۵
	نبود خودباوری و اعتماد به نفس در دانشجویان	۰/۵۶۶
سیاست‌گذاری	گرایش دانشجویان به اشتغال در مشاغل دولتی به جای خوداشتغالی	۰/۵۱۵
	شناخت پایین دانشگاه از نیازها و اولویت‌های بخش کشاورزی و صنعت	۰/۷۰۵
	توجه ناکافی به کارآفرینی در سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه	۰/۶۸۵
	توجه نکردن به پرورش خلاقیت و نوآوری در دانشجویان	۰/۶۴۵
	نبود برنامه جامع توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها	۰/۵۸۷
	نبود فرهنگ کار گروهی و تیمی در دانشگاه	۰/۵۵۸
فرهنگی	دشواری فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با سایر زمینه‌های شغلی	۰/۵۳۲
	نبود فرهنگ‌سازی مناسب در زمینه کارآفرینی در سطح دانشگاه	۰/۵۰۶

در شکل ۱، الگوی برازش شده عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی، بارهای عاملی استاندارد شده گویه‌ها بیانگر این هستند که ابزار اندازه‌گیری در وضعیت مناسبی از لحاظ اعتبار سازه‌ای قرار دارد. در جدول ۴، شاخص‌های برازندگی بیانگر برازش خوب مدل مورد بررسی با داده‌های مشاهده شده است. شاخص نیکویی برازش و شاخص تعدیل شده نیکویی برازش هرچه به یک نزدیک‌تر باشد، بیانگر برازش مناسب مدل است؛ همچنین معیار ریشه میانگین باقی‌مانده‌ها که شاخصی برای اندازه‌گیری متوسط باقی‌مانده‌هاست، هرچه کوچک‌تر باشد، نشان‌دهنده برازش خوب مدل است و مجذور کا و سطح معنی‌داری و کمیت‌های t (در سطح معنی‌داری ۰/۵۰ درصد) بیانگر نبود تفاوت معنی‌داری داده‌های مشاهده شده با مدل هستند (Hair et al., 2006, p. 75).

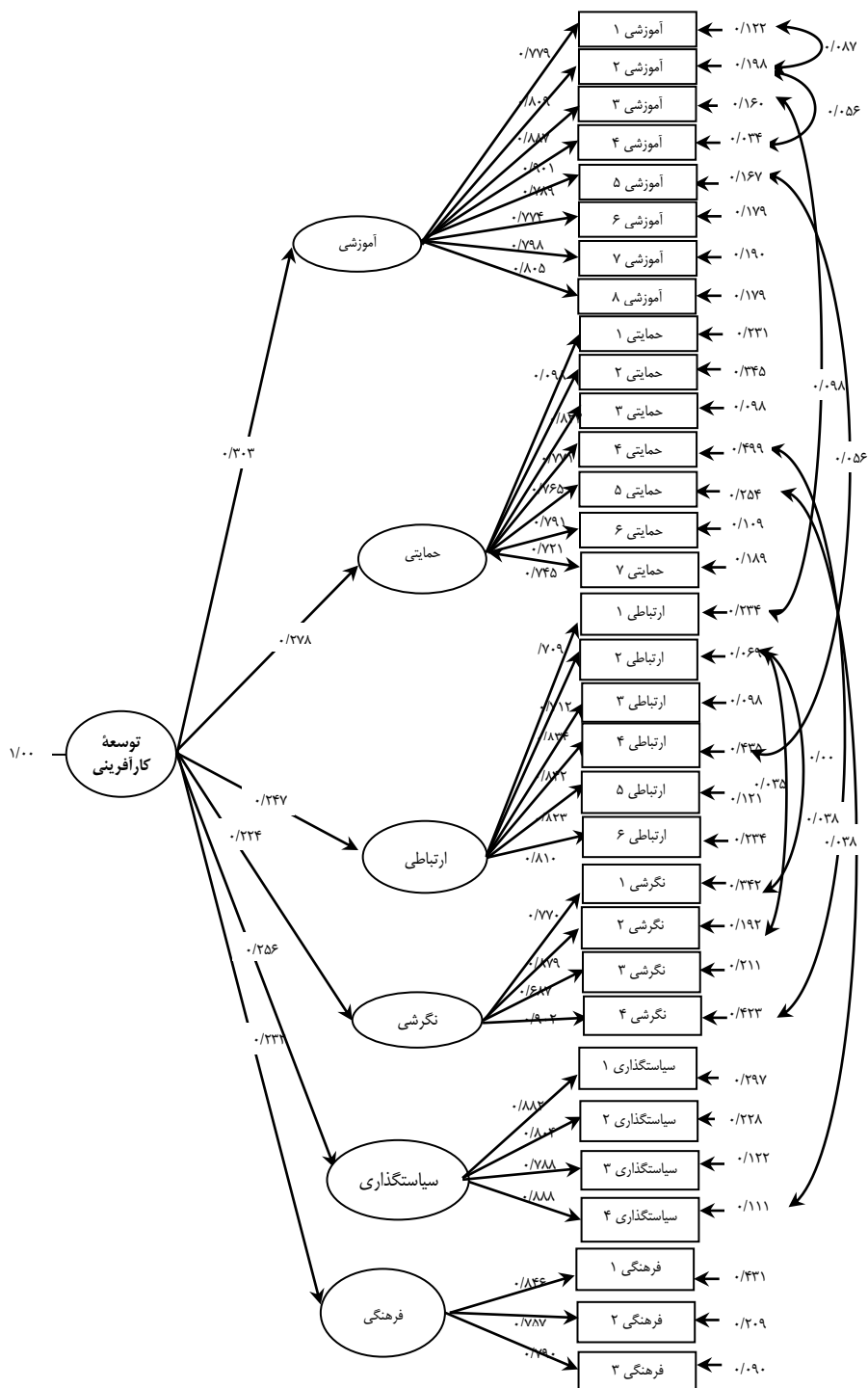
با توجه به نتایج جدول ۵ می‌توان نتیجه گرفت که عامل‌های آموزشی، حمایتی، ارتباطی، نگرشی، سیاست‌گذاری و فرهنگی تا حدود زیادی ابعاد مستقل و مجزای عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی را اندازه‌گیری می‌کنند و این موارد به ترتیب اولویت رتبه اول تا ششم را در تدوین این سازوکارها به خود اختصاص دادند.

جدول ۴. نتایج میزان تطابق مدل پژوهش با شاخص‌های برازندگی

شاخص برازش	معیار پیشنهاد شده	نتایج در پژوهش
درجه آزادی	≤ 3	۲/۵۲۴
سطح معنی‌داری	$\leq 0/05$	۰/۰۰۰
شاخص نرم‌شده برازندگی	$0/90 \leq$	۰/۹۲
شاخص نرم‌نشده برازندگی	$0/90 \leq$	۰/۹۰
شاخص برازندگی تطبیقی	$0/90 \leq$	۰/۹۱
شاخص نیکویی برازش	$0/90 \leq$	۰/۹۰
شاخص تعدیل شده نیکویی برازش	$0/90 \leq$	۰/۹۳
میانگین مجذور پس مانده‌ها	$\leq 0/05$	۰/۰۳۵
معیار ریشه میانگین باقی‌مانده‌ها	$\leq 0/10$	۰/۰۶۲

جدول ۵. تحلیل عاملی تأییدی ساختار نظری پرسشنامه

متغیرها	گویه‌ها	بار عاملی استاندارد شده	مقدار f	آلفای کرونباخ
آموزشی	آموزشی ۱	۰/۷۷۹	-	۰/۸۹۱
	آموزشی ۲	۰/۸۰۹	۸/۱۱۴	
	آموزشی ۳	۰/۸۸۷	۹/۱۲۱	
	آموزشی ۴	۰/۹۰۱	۸/۶۶۱	
	آموزشی ۵	۰/۷۸۹	۸/۹۰۲	
	آموزشی ۶	۰/۷۷۴	۹/۵۷۳	
	آموزشی ۷	۰/۷۹۸	۹/۴۰۴	
	آموزشی ۸	۰/۸۰۵	۸/۷۸۷	
حمایتی	حمایتی ۱	۰/۸۸۷	-	۰/۹۴۲
	حمایتی ۲	۰/۸۲۳	۸/۳۶۹	
	حمایتی ۳	۰/۷۶۵	۱۱/۲۰۰	
	حمایتی ۴	۰/۷۹۱	۹/۴۵۱	
	حمایتی ۵	۰/۷۲۱	۱۱/۵۵۵	
	حمایتی ۶	۰/۷۷۱	۱۲/۵۴۲	
	حمایتی ۷	۰/۷۴۵	۱۰/۹۰۸	
ارتباطی	ارتباطی ۱	۰/۷۰۹	-	۰/۹۱۰
	ارتباطی ۲	۰/۷۱۲	۹/۴۴۵	
	ارتباطی ۳	۰/۸۳۴	۹/۹۸۱	
	ارتباطی ۴	۰/۸۴۲	۸/۲۲۰	
	ارتباطی ۵	۰/۸۲۳	۹/۹۶۵	
	ارتباطی ۶	۰/۸۱۰	۹/۸۵۴	
نگرشی	نگرشی ۱	۰/۷۷۰	-	۰/۹۲۸
	نگرشی ۲	۰/۸۷۹	۱۱/۳۱۹	
	نگرشی ۳	۰/۹۰۲	۱۱/۴۱۸	
	نگرشی ۴	۰/۶۸۷	۱۱/۵۵۸	
سیاست‌گذاری	سیاست‌گذاری ۱	۰/۸۸۲	-	۰/۸۹۸
	سیاست‌گذاری ۲	۰/۸۰۴	۱۰/۹۵۲	
	سیاست‌گذاری ۳	۰/۷۸۸	۷/۹۲۳	
	سیاست‌گذاری ۴	۰/۸۸۸	۸/۶۵۶	
فرهنگی	فرهنگی ۱	۰/۸۴۶	-	۰/۹۳۷
	فرهنگی ۲	۰/۷۵۷	۱۲/۱۱۶	
	فرهنگی ۳	۰/۷۹۰	۱۱/۴۶۵	



شکل ۲. تحلیل عاملی تأییدی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، عوامل بازدارنده توسعه کار آفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده‌های کشاورزی دولتی استان تهران بررسی شد. یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی نیز نشان داد که عوامل بازدارنده توسعه کار آفرینی در شش عامل آموزشی، حمایتی، ارتباطی، نگرشی، سیاست گذاری و فرهنگی قابل طبقه‌بندی هستند. اولین عاملی که بیشترین درصد واریانس را به خود اختصاص داد عامل آموزشی بود. متأسفانه، با وجود ماهیت علمی-کاربردی آموزش‌های کشاورزی، دروس ارائه شده در این دوره‌ها بیشتر به صورت تئوری هستند که این امر یکی از ضعف‌های این آموزش‌هاست.

از دیگر موانع موجود در این زمینه به روز نبودن محتوای دروس و استفاده نکردن از شیوه‌های آموزشی نوین و بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در امر تدریس است. لاتین و همکاران (۲۰۰۰، ص ۹۵) و مک مولان و گیلین (۲۰۰۱، ص ۵۷) محیط نامناسب آموزشی دانشگاه‌ها را عامل شکست در زمینه کار آفرینی دانسته‌اند. نوروززاده و رضایی (۱۳۸۹، ص ۷۵) نیز نبود استادان ماهر و خلاق و محتوای نامناسب دوره‌های آموزشی را مهم‌ترین بازدارنده‌های ایجاد روحیه کار آفرینی در دانشجویان دانسته‌اند.

دومین عاملی که پاسخگویان به آن اشاره داشتند عامل حمایتی است. دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها زمانی می‌توانند در عرصه کسب و کار موفق باشند که از چتر حمایتی دولت، دانشگاه‌ها و بخش‌های خصوصی و غیر دولتی برخوردار باشند. به اعتقاد حسینی و همکاران (۱۳۸۹، ص ۳۵۹) سیاست گذاری نامناسب و کمبود حمایت دولتی از مشاغل کشاورزی مهم‌ترین موانع توسعه کار آفرینی در دانشگاه‌ها به شمار می‌روند.

گیب (۲۰۰۲، ص ۱۳۵) نیز یکی از چالش‌های کار آفرینی در سطح دانشگاه را نبود حمایت سازمانی از آن در دانشگاه دانسته است. این قشر با وجود برخورداری از دانش تخصصی بنیه مالی مناسبی ندارند که باید تا زمان دستیابی به استقلال نسبی از آن‌ها حمایت‌های لازم به عمل آید؛ این امر باید در داخل دانشگاه و در سطح جامعه ادامه یابد.

عامل سوم، عامل ارتباطی است. یکی از ایراداتی که به نظام آموزش عالی گرفته می‌شود این است که این نظام به صورت منزوی و در جزیره‌ای جدا از جامعه است که با این شرایط نمی‌توان امید داشت که دانش‌آموختگان این نظام متناسب با نیاز بازار و برخوردار از قابلیت‌ها و مهارت‌های لازم باشند؛ همچنین دانشجویان زمانی می‌توانند از توانمندی لازم در زمینه‌های علمی و تخصصی برخوردار شوند که با سایر دانشگاه‌ها و مجامع علمی ملی و بین‌المللی در

ارتباط باشند و از دانش روز آگاه شوند و این مشکل زمانی حل می‌شود که درکی مشترک بین دانشگاه و سایر بخش‌های جامعه ایجاد شود. در این زمینه، مراکز کارآفرینی و پارک‌های علم و فناوری می‌توانند نقش مهم و محوری ایفا کنند. ارتباط مؤثر دانشگاه با دیگر بخش‌ها می‌تواند زمینه تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی را که بی‌توجهی به آن یکی از مشکلات آموزش عالی کشاورزی است تا حدود زیادی مرتفع سازد.

گیب و هانن (۲۰۰۴) نیز در تحقیق خود بر توسعه دفاتر کارآفرینی و انتقال فناوری، تعامل استادان و دانشجویان و تعامل صنعت و دانشگاه تأکید داشته‌اند.

یکی دیگر از عوامل، عامل نگرشی و روان‌شناختی است. نگرش افراد می‌تواند تعیین‌کننده رفتاری باشد که آن‌ها از خود بروز می‌دهند. مسائل روان‌شناختی مختلف از قبیل انگیزه، علاقه، عزت نفس، خودباوری، نگرش اطرافیان و سایر موارد می‌توانند در زمینه توسعه کارآفرینی و کارآفرین‌بودن افراد نقش بسزایی ایفا کنند؛ همچنین برخورداری و تقویت مهارت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینی که دانشگاه می‌تواند در این زمینه نقش محوری و اساسی ایفا کند نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. متأسفانه در نظام آموزش عالی کشاورزی، تنها به بعد دانشی فراگیران توجه می‌شود و به دو بعد بینشی و مهارتی افراد توجه کمتری می‌شود. این امر تأثیر بسزایی در پایین بودن قابلیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان کشاورزی دارد.

پنجمین عامل در زمینه توسعه کارآفرینی، عامل سیاست‌گذاری است. در واقع، سیاست‌هایی که در سطح دانشگاه و سطوح کلان ملی اتخاذ می‌شوند می‌توانند بازدارنده یا پیش‌برنده توسعه کارآفرینی باشند و سایر امور را تحت تأثیر قرار دهند؛ از این حیث شاید بتوان آن‌ها را مهم‌تر از دیگر عوامل دانست. مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۶، ص ۱۷۵) عامل سیاست‌گذاری را یکی از عمده‌ترین موانع توسعه کارآفرینی دانسته‌اند.

حسینی و همکاران (۱۳۸۹، ص ۳۵۹) نیز سیاست‌گذاری نامناسب و کمبود حمایت دولتی از مشاغل کشاورزی را مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها برشمرده‌اند. دانشگاه باید در سیاست‌گذاری خود در زمینه کارآفرینی به صورت نظام‌مند همه ارکان و ابعاد این نظام (اهداف، محتوای آموزشی، انتخاب فراگیران، آموزشگران، شرایط و امکانات آموزشی و سایر موارد) را بازبینی کند.

آخرین عامل شناسایی‌شده در این زمینه نیز عامل فرهنگی است. بی‌توجهی به فرهنگ‌سازی مناسب در سطح دانشگاه و نبود فرهنگ مشترک بین دانشگاه و جامعه یکی از موانع اصلی توسعه کارآفرینی و منزوی‌شدن دانشگاه‌هاست. دباکر و گلرز (۲۰۰۵، ص ۳۲۱)

نمود درک کافی صنعت و دانشگاه از فرهنگ یکدیگر و وجود اهداف متعارض بین آن‌ها و دکتر و همکاران (۲۰۰۷، ص ۳۲۱) تفاوت‌های فرهنگی بین دانشگاه و کسب و کار را عمده‌ترین موانع توسعه کار آفرینی شناسایی کردند.

پیشنهادها

بر این اساس و با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. بازنگری اساسی در سرفصل‌های دروس دانشگاهی با در نظر گرفتن علم روز و توجه به مباحث کار آفرینی و تأکید بر محتوای آموزشی شغل محور؛ همچنین توجه بیشتر به دروس عملی در کنار پرداختن به مباحث نظری؛
۲. توجه بیشتر به امر آموزش کار آفرینی و توسعه فرهنگ کار آفرینی در دانشگاه‌ها از طرق مختلف از قبیل دعوت از افراد کار آفرین نمونه، برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با کار آفرینی به صورت حضوری یا مجازی برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی و بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و آموزش‌های الکترونیکی و توجه بیشتر به درس کار آفرینی و استفاده از افراد مجرب برای تدریس آن با تأکید بیشتر بر جنبه‌های عملی و کاربردی؛
۳. ارائه خدمات مشاوره‌ای درباره کار آفرینی به صورت حضوری و مجازی از طریق ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی در زمینه کار آفرینی و ایجاد مرکز مشاوره شغلی در دانشگاه‌ها؛
۴. تعامل بیشتر بین دانشگاه و مراکز علمی - تحقیقاتی و بخش‌های اجرایی برای حضور دانشجویان و استادان برای کسب تجارب لازم و توسعه و تقویت هر چه بیشتر مراکز رشد، کار آفرینی و پارک‌های علم و فناوری در دانشگاه‌ها؛ همچنین امکان انجام تحقیقات مشترک با سایر بخش‌ها و حضور دانشجویان در محیط‌های اجرایی؛
۵. توجه به مباحث کار آفرینی در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش عالی و حمایت از دانشجویان و دانش‌آموختگان از طریق اعطای تسهیلات بانکی با بهره‌پایین و دوره‌بازپرداخت طولانی و بهبود امکانات و زیرساخت‌های لازم در دانشگاه برای ارتقای مهارت‌های عملی و عملی دانشجویان؛ همچنین تأکید بیشتر بر انجام تحقیقات کاربردی و مبتنی بر نیاز بازار کار و توجه و حمایت بیشتر از ایده‌های نوآورانه دانشجویان و اعضای هیئت علمی.

منابع

- اسکندری، فرزاد، حسینی، سید محمود و کلانتری، خلیل (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر عملکرد کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۴(۵۳): ۱۰۷-۱۳۳.
- امیری، علی نقی و مرادی، یزدان (۱۳۸۷). نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان و موانع آن، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۴۹: ۴۵-۶۷.
- بدری، احسان (۱۳۸۴). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه اصفهان.
- تاج‌آبادی، رضا (۱۳۸۷). آموزش و توسعه کارآفرینی و روش‌های به‌کارگیری آن در نظام آموزش عالی کشاورزی، *همایش ملی کارآفرینی، فرهنگ و جامعه*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- جوادیان صراف، نصراله و شجاع، رضا (۱۳۸۸). بررسی نگرش دانشجویان تربیت بدنی نسبت به موانع کارآفرینی و مشکلات راه‌اندازی کسب‌وکار بعد از فراغت از تحصیل، *فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی*، ۲۲: ۸۱-۹۶.
- حجازی، سیدیوسف و میرشکاری، علی (۱۳۸۷). بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در بین فارغ التحصیلان کشاورزی (مطالعه موردی: استان بوشهر)، *مجله کشاورزی دانشگاه تهران*، ۱۶: ۴۹-۶۰.
- حسین‌پور، ابوطالب و رضایی، مسعود (۱۳۸۹). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی به کارآفرینی، *توسعه کارآفرینی*، ۳(۱۰): ۱۳۵-۱۵۳.
- حسینی، سید محمود، فرج‌اله حسینی، سید جمال و سلیمانپور، محمدرضا (۱۳۸۹). شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد استان تهران، *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۱(۳): ۳۵۹-۳۶۸.
- خسروی‌پور، بهمن و سلیمان‌پور، محمدرضا (۱۳۸۸). راهکارهای آموزشی مؤثر در توسعه اشتغال دانش‌آموختگان مجتمع آموزش جهاد کشاورزی خوزستان، *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۹: ۱۹-۲۸.
- خسروی‌پور، بهمن و منجم‌زاده، زهره (۱۳۹۰). دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع مؤثر در کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی، *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۲(۱): ۱۰۵-۱۱۶.

زالی، محمدرضا، مدهوشی، مهرداد و کردنائیج، اسداله (۱۳۸۶). ارزیابی مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان (مورد بررسی: دانشگاه مازنداران)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۱(۳): ۸۱-۱۱۳.

زالی، محمدرضا (۱۳۸۶). معرفی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.

زرنگار، حمیدرضا (۱۳۸۱). کارآفرینی به منزله نیروی اقتصادی در توسعه روستایی، نشریه جهاد، ۲۲(۲۵۳): ۱۴.

سلیمانپور، محمدرضا (۱۳۸۵). بررسی و موانع مشکلات ذیل به رویکرد کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

صالحی، سعید و برادران، مسعود (۱۳۸۵). راهکارهای به‌کارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی، نشریه جهاد، ۲۷۴: ۱۸۳-۲۰۵.

طالبی، کامبیز و زارع یکتا، محمدرضا (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط دانش بنیان، توسعه کارآفرینی، ۱(۱): ۱۱۱-۱۳۱.

مراذنادی، همایون؛ ایروانی، هوشنگ؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ حسینی، سیدمحمود و کافی، محسن (۱۳۸۶). تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران، علوم کشاورزی ایران، ۳۸-۲(۲): ۱۷۵-۱۸۴.

نظری کتولی، علیرضا و رحمانی، رامین (۱۳۸۴). چالش‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان، ماهنامه تدبیر، ۳۳-۳۸: ۱۵۳.

نوروززاده، رضا و رضایی، ندا (۱۳۸۹). مشوق‌ها و بازدارنده‌های مؤثر در روحیه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی - کاربردی کشاورزی، پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۱۲(۱۲): ۷۵-۹۰.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، انتشارات سمت، چاپ اول.

یعقوبی، جعفر (۱۳۸۹). بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و ارائه سازوکارهایی برای تقویت آن، توسعه کارآفرینی، ۲(۸): ۱۲۱-۱۳۹.

یعقوبی، جعفر؛ منفرد، نوذر و یزدان پناه، مسعود (۱۳۹۰). مانع‌های تقویت کارآفرینی در دانشکده کشاورزی زنجان از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۱۶: ۱۲-۲۱.

- Debackere, K. and Veugelers R. (2005). The role of academic technology transfer organizations in improving industry science links, *Research Policy*, 34: 321–342.
- Decter, M., Bennett, D. and Leseure, M. (2007). University to business technology transfer_ UK and USA comparisons. *Technovation*, 27: 145–55.
- Galloway, L., Anderson, M., Brown, W. and Wilson, L. (2005). Enterprise skills for the economy, *Education and Training*. 47(1): 7-17.
- Gibb, A. (2002). Creating Conductive Environments for Learning and Entrepreneurship, *Industry and higher education*, 16(3): 135-148.
- Gibb, A. and Hannon, P. (2004). Towards the entrepreneurial University, UK: University of Durham and National Council for graduate entrepreneurship.
- Hair, F., Anderson, R., Tatham, R. and Black, W. (2006). *Multivariate data analysis with readings*, London: Prentice-Hall.
- Lathain, F., Stajkoric, A. and brayera, E. (2000). Environmental and Psychological challenges facing entrepreneurial development in transitional economies. *Journal of world Business*, 35(1): 95-110.
- McMullan, W. E. and Gillin, L. M. (2001). Entrepreneurship education in the nineties: Revisited. In R. H. Brockhaus, G. E. Hills, H. Klandt, and H. P. Welsch (Eds.), *Entrepreneurship education: A global view* (pp. 57-77). Burlington, VT: Ashgate.
- Robertson, M., Collins, A., Medeira, N. and Slater, J. (2003). Barriers to start-up and their effect on aspirant entrepreneurs, *Education and Training*, 45(6): 308-317.
- Wright, M., Clarysse, B., Mustar P. and Lockett A. (2007). Academic Entrepreneurship in Europe. Edward Elgar, *Cheltenham and Northampton*, 172-3.